

## تأیید کلیات مصوبه ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۹۷ ■ ۴ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ ■ ۱۶ آگوست ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۵۱۲ ■ ۱۶ صفحه ۱۰۰۰ تومان



## نه در گذشته ۵۰ درصد بوده و نه الان ۱۱ درصد

صفحه ۲

ساروز بازگشت پیروزمندان و غرور آفرین آزادگان عزیز به میهن اسلامی را شادباش می‌گوییم

## ایستاده در مقابل فساد

■ بازخوانی «وطن امروز» از ۲ دهه هشدار و مطالبه‌گری رهبر انقلاب از دستگاه‌های مختلف کشور برای برخورد با مفاسد اقتصادی

صفحه ۵

دادستان کل کشور با اشاره به جدیت قوه قضائیه در برخورد با پرونده‌های اقتصادی:

## لازم باشد از وزیر هم تحقیق می‌کنیم

صفحه ۲

دلار دیروز کمی آرام گرفت و به کانال ۱۰ هزار تومان بازگشت

## بازار ارز منتظر وعده جدید روحانی

صفحه ۳

از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا صورت گرفت

## اعمال تحریم‌های جدید علیه کره شمالی

صفحه ۱۵

گزارش «وطن امروز» از پشت پرده کادرسازی سیاسی و رسانه‌ای امارات

## بن‌زاید معمار پنهان

صفحه ۱۱

### صبح جلالی

■ حسین قدیانی ■



خانم را گذاشتم کلاس خیاطی! قیطره‌ها و مثل دفعات پیش، خواستم این ۲ ساعت را بروم امامزاده تجریش که دیدم این بار حسش نیست! و سعادتش! آخر دیشب، عروسی دایی فاطمه بود و تا بوق سگ بیدار بودیم و کلی هم به اصرار همسر، چرخیدیم دنبال ماشین عروس و از شما چه پنهان، بوقی بود که می‌زدم مثل این خل و چل‌ها! اما خوب! بوق پراودویی چیز دیگری بود! بعد از رساندن فاطمه، نشسته بودم در ماشین و خودم را سرپرده بودم به خدا که در خودش این ۲ ساعت علافی با حقتم به خیر کند که مشکلی شاسی‌بلند بوق بلندی زدا یک «بیر جلو اون لگنت رو»! خاصی در صدای ممتد بوقش نهفته بود! دادمشتم می‌بردم جلو این لگنم را که ناگهان چشمم افتاد به فلنک نارنجی خانه‌موزه جلال، اول خیابان کریمی، تقاطع اندرزگو! تا چشمم به جمال جلال روشن شد، در دل گفتم: «خدا! فقط با بوق پراودو هدایت‌مان نکرده بودی، که کردی!» و یاد متنی افتادم که همین چند روز پیش و بی‌هیچ مناسبتی، برای جلال در پیچم نوشته بودم! و اینکه چقدر دلم حضور در خانه جلال را می‌خواست! قبلا رفیق مورخم؛ «محمدرضا کلبینی» خیلی گفته بود که حتما برو و ببین! روح تازه می‌شود! حالا بدون هیچ برنامه‌ای و فقط بسا یک بوق، خدا جورش کرد! چند تایی خیابان رفتم تا به بن‌بست ارض برسیم! پلاک یک‌کا و خانه آجری جلال، هیچ کجا نباشد! الا در بن‌بست زمین! و لاید به یاد «قرین زمین» که کتابی از کتاب‌های جلال باشد! چرا چیزی از کتاب یاد نیست؟! و حتی اینکه رمان بود یا مقاله؟! و آیا این نسیان، از اعلام گذر از عصر جوانی نیست؟! و من حالا در «بن‌بست ارض» همین که جلوی در چوبی خانه جلال رسیدم، یاد افکارم افتادم هنگام نوشتن آن متن اینستایی! و اینکه چقدر روشن‌فکران امروز ما از جلال دورند! و چقدر با او دشمن! و چقدر می‌زنندش! و چقدر لاله غرب شده‌اند! گویی به استخوانی از ترامپ، راضی!

ادامه در صفحه ۱۲

روحانی در جلسه هیأت دولت با اشاره به عرضه ارز در سامانه نیما:

# قیمت ارز حتما پایین‌تر می‌آید

■ پالس منفی روحانی درباره برخورد قضایی با مفاسد اقتصادی:

مشکل اقتصادی با بگیر و ببند حل نمی‌شود

صفحه ۲



تکس President.ir

رئیس‌جمهور روسیه فرمان اجرایی اخذ مالیات مستقیم از صنایع ابرسودده را امضا کرد

## مارشی برای حمله به الیگارشی

به خزانه بریزد، در مقایسه با باج ۱۱۴ میلیارد روبلی «نورنیکل» بزرگ‌ترین تولیدکننده نیکل جهان قابل مقایسه نیست که باید بیش از یک‌پنجم بار تأمین اعتبار زوری دولت برای پیشبرد طرح توسعه «فرمان مه» در سال جاری میلادی را به دوش بکشد. دیگر باج‌گزاران اصلی این لیست را آلروسا (۶۷ میلیارد روبلی)، سیبپور (۶۵)، پترولیوس (۵۸) و سورستال (۴۲) تشکیل می‌دهند. آلروسا، بزرگ‌ترین تولیدکننده الماس جهان و کاشف الماس صورتی خارق‌العاده ۲۰۱۷ عملا توسط نهادهای حکومتی اداره می‌شود و کنترل آن در دست پسر سرگئی ایوانف- دبیر سابق شورای امنیت روسیه- است یا سیبپور، شرکت بزرگ پتروشیمی تحت کنترل کیریل شامالوف، پسرخوانده پوتین قرار دارد اما سایر شرکت‌ها نام صاحبان الیگارش‌شان را

یسدک می‌کشند. پولیوس، استخراج‌کننده بزرگ طلا جزو اموال سلیمان ابوسعدیویچ کریموف، مهم‌ترین سرمایه‌دارداغستانی است که حالا جدا از رابطه نزدیکش با مسکو، زیر چتر حمایتی دولت فرانسه هم قرار گرفته است. حتی ولادیمیر پوتین، الیگارش نزدیک به پوتین که توسط فوربس به عنوان یکی از ۱۰ مرد ثروتمند جهان شناخته می‌شود نیز از قاعده پرداخت باج مستثنایست. بنابراین می‌توان فرمان اخیر کرملین را به مثابه نوعی اصلاحیه موقت بر ساختار مالیاتی در کشوری الیگارش‌پرور مثل روسیه هم برشمرد که قرار مالیاتی در آن بسیار مرسوم است.

مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور روسیه نیز در نامه‌اش تأکید کرده حکم اجرایی اخیر در حقیقت خلأ قانونی برای جذب مالیات از سودهای فوق‌العاده کلان را بر می‌کند؛ سودهایی که مدیون ارتباطات و انحصارات خاص حکومتی است و دریافت‌کنندگان آن باید اینگونه دین خود را به کرملین ادا کنند.

■ حاکمیتی در قالب یک ابر شرکت

نشست روز جمعه ۱۱۷ آگوست کمیسیون وزرای اقتصادی کابینه مدودف در همین مورد به معنای رسمیت بخشیدن به حکم پوتین و بررسی مکانیزم دریافت مالیات‌های فوق‌برنامه نیم تریلیون روبلی مزبور است.

این دومین ضربه متوالی به قلمروهای وسیع اما

است. تحریم‌های غربی علیه فدراسیون روسیه افزایش یافته و سلطه دلار به پیشداری ترامپ در آخرین تقلاي خود برای فرار از سقوط در بازارهای جهانی، جنگ اقتصادی بی‌رحمانه‌ای را علیه قطب مقابل آغاز کرده است که این شامل ایران، ترکیه، ونزولا و کل آسیای شرقی هم می‌شود. در نتیجه روس‌ها باید کمر بندشان را سفت‌تر کنند.

بلوسوف در فهرست فوق ستون سهم ویژه‌ای را که ۸ غول نفتی و گازی روسیه باید جدا از مالیات بپردازند خالی گذاشته، با این توجیه که مالیات رسمی آنها آنقدر سنگین است که دیگر نیازی به پرداخت ویژه نباشد. «گازپروم»

ثروتمندترین شرکت روس یک‌چهارم کل درآمد ۶ هزار میلیارد روبلی‌اش را مالیات می‌دهد و «لوک‌ویل» ۱۵ درصد آن را. اما مالیات شرکت‌های نفتی-گازی کوچک‌تر تا یک‌سوم درآمدشان هم بالا می‌رود «تانتفت»- غول نفتی تاتارستان ۲۷ درصد درآمد ناخالصی ۶۸۱ میلیارد روبلی‌ای را به خزانه می‌ریزد و

طبق این نامه، بلوسوف که یکی از مغزهای روسیه محسوب می‌شود، یک منبع نیم تریلیون روبلی برای اجرای «فرمان مه» رئیس‌جمهور یافته است؛ گرفتن پول از صاحبان صنایعی که «ابرسودده» محسوب می‌شوند. «فرمان مه»، فرمانی اجرایی بود که ولادیمیر پوتین روز هفتم ماه مه امسال، ساعاتی پس از ادای سوگند برای آغاز چهارمین دوره ریاست‌جمهوری آن را امضا کرد؛ شامل اهدافی کلیدی که دولت باید در راستای چشم‌انداز توسعه تا سال ۲۰۲۴، یعنی پایان دومین دوره متوالی ۶ ساله آقای رئیس‌جمهور محقق کند.

در فهرستی که دستیار رئیس‌جمهور به نام مزبور الصاق کرده، نام ۲۲ شرکت بزرگ در حوزه‌های نفت و گاز، فلزات و شیمیایی به عنوان شرکت‌های «ابرسودده» ذکر شده است. امار و ارقام دقیق سود و درصد مالیات رسمی این شرکت‌ها که مهم‌ترین قلمروهای الیگارش‌ها هستند نیز آمده است. اینها باید به خاطر سودشمار فعالیت‌های‌شان در سال مالی گذشته (۲۰۱۷) مجموعاً ۵۱۳ میلیارد روبلی- معادل ۸ میلیارد دلار در زمان نوشتن نامه، ۷/۷ میلیارد در زمان انتشار آن و ۷/۳۵ میلیارد دلار در حال حاضر- به خزانه بپردازند. سقوط تدریجی ارزش روبلی باج ویژه کرملین از الیگارش‌ها در مقابل دلار طی ۲ هفته اخیر خود گویای یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های تیم پوتین برای چنین کاری اما ۱۱/۵ میلیارد روبلی که کنسرسیوم و حالا باید

پراکنده الیگارش‌های روس است که تعدادشان به ۹۰ نفر بالغ می‌شود. یک هفته جلوتر، دولت ایالات متحده چندین تن از آنها را مورد تحریم قرار داده بود که به شکل جالبی چند تن از یانگی‌های مخالف پوتین را هم شامل می‌شد. بلافاصله صدای فعالان لیبرال مورد حمایت الیگارش‌های غرب‌نشین درآمد که ترامپ در حال نان قرض دادن به پوتین است. الیگارش‌ها مدت‌هاست جذابیت‌شان را برای قاطبه جامعه روس از دست داده‌اند. آنها از دل مناسبات مافیایی و رانته دهه ۱۹۹۰ میلادی در بلشوی پس از فروپاشی بیرون آمدند و نماد شلخگی فکری، واگرایی ملی و ضعف ساختاری حاکمیت روس طی ۳ سال اخیر بوده‌اند.

در چنین شرایطی با قرار دادن خبر حکم اجرایی پوتین در کنار دیگر تحولات میان روسیه و غرب به تصویری کلی‌تر می‌رسیم. اینکه رهبران کرملین می‌خواهند به الیگارش‌پروری که خصیصه ذاتی روسیه پسافروری است پایان دهند و این شاید از چیزی فراتر از فانتزی ذهنی آنها برای احیای امپراتوری‌های تمرکزگرای قرون گذشته نشأت گرفته باشد.

بویژه وقتی خصیصه‌ها و صفات اصلی بلوسوف، طراح ایده باج‌گیری از الیگارش‌ها را بدانیم بیشتر به این نتیجه می‌رسیم که چه انگیزه‌های بزرگ‌تری ممکن است پشت این حرکت باشد.

در ساختمان قدیمی سنا پشت دیوارهای سرخ‌رنگ کرملین، اندری بلوسوف ۵۹ ساله را با ۷ صفت کلی می‌شناسند: شخصیت بارز علمی، مغز متفکر، ایده‌الیست اقتصادی، پاکدست، الیگارش‌ستیز، پیرو مکتب پتربورگ (حلقه لنینگرادی‌های حاکم) و شوروی‌گرا. او یک نخبه روس به معنای واقعی کلمه است. تنها چهره شاخص کرملین جز پوتین که دانشگاهی‌ها و فرهنگی‌ها با نفرت از او یاد نمی‌کنند. کسی که شاید برای پوتین و حلقه پتربورگی‌های اطرافش یاد «ناتولی سلایچاک» مرشد در گذشته او را زنده کند. استاد سابق حقوق دانشگاه لنینگراد، مولف نخستین قانون اساسی دموکراتیک روسیه پس از فروپاشی، نخستین شهردار منتخب پتربورگ پس از کمونیسم و کسی که پوتین را در زمانی که دیوارهای آهنین بلوک شرق در اواخر دهه ۸۰ برچیده می‌شد، بلوسوف به عنوان یک دانشجوی نابغه عضو موسسه مرکزی اقتصاد ریاضی اتحاد جماهیر شوروی در زمینه شبیه‌سازی سامانه‌های هوشمند انسانی- ماشینی تحقیق می‌کرد که شاید اگر به نتیجه می‌رسید، می‌توانست بر قدرت رو به زوال را از بن‌بست‌های انسان‌مدارانه و فناورانه‌اش بیرون آورد.

ادامه در صفحه ۱۲



صفحه ۲

## غربال گزینه‌های روی میز

■ مهدی محمدی ■

سخنان این هفته رهبر معظم انقلاب اسلامی یک نقطه عطف در تاریخ رویارویی اخیر میان ایران و آمریکا محسوب می‌شود. درباره بقیه جنبه‌های

این سخنرانی در فرصتی دیگر سخن خواهیم گفت اما در اینجا تأکید مشخصاً روی تأثیری است که «بسته شدن باب مذاکره با آمریکا در دولت ترامپ» روی معادلات راهبردی حاکم بر منازعه راهبردی ایران و آمریکا می‌گذارد.

دولت آمریکا پس از خروج از برجام مشخصاً اعلام کرد این یک خروج ابزاری است و هدف آن تبدیل کردن گزینه بازگشت به برجام و لغو مجدد تحریم‌ها، به ابزاری برای کشاندن ایران پای میز مذاکره است، مذاکره‌ای که باید برجام را به حوزه‌های غیرهسته‌ای رقابت راهبردی میان ایران و آمریکا، از جمله برنامه منطقه‌ای و موشکی، توسعه داده و ایران را در همه جنبه‌های مورد نگرانی آمریکا مهار کند.

در این‌باره که آیا آمریکا واقعا خواهان یک توافق جدید با ایران است یا اینکه با علم به مخالفت ایران با چنین درخواستی، آن را صرفاً بهانه‌ای برای تشدید فشار بر ایران قرار داده، اختلاف‌نظر وجود دارد. شروطی که مایک پمپئو برای مذاکره مجدد با ایران قرار داده عملاً ماهیت جمهوری اسلامی و منافع حیاتی آن را هدف می‌گیرد و غیرقابل تحقق است. این شروط چنان رادیکال و درازدامنه است که بعید است هیچ متخصص عاقل امور ایران در دولت آمریکا

باور داشته باشد هرگز می‌توان بر سر آن یک مذاکره واقعی انجام داد. ماهیت این شروط به گونه‌ای است که اساساً روشن نیست توافق کردن بر سر آنها یعنی چه، و اگر ایران دقیقاً چه اقداماتی انجام بدهد، این شروط محقق شده است؟ ادبیات این شروط به گونه‌ای تنظیم شده که تحقق کامل آنها صرفاً با برانداختن شدن نظام جمهوری اسلامی محقق می‌شود، حتی اگر آمریکا نام آن را براندازی نگذارد. رفتار عملی آمریکا هم نشان‌دهنده این است که به تحریم به عنوان یگانه ابزاری می‌نگرد که می‌تواند با آن ایران را زیر فشار قرار داده و فرآیندی را کلید بزند که ابتدای آن امتیازدهی در حوزه‌های راهبردی و انتهای آن براندازی جمهوری اسلامی در ایران است. تحلیل دقیق این شروط، به اضافه اقدامات ضایرانی‌ای که آمریکا عملاً در حال انجام دادن آنهاست، اگر با رفتاری که آمریکا با سایر تعهدات

بین‌المللی خود انجام می‌دهد- از جمله توافق با کره شمالی- ترکیب شود، حاوی این پیام واضح است که درخواست مذاکرات جامع از ایران در واقع همان مذاکره نکردن و ایجاد بهانه‌ای برای اعمال فشار فزاینده است. این سناریو که تصور کنیم زمانی در آینده وجود دارد که آمریکا مجدداً به برجام بازخواهد گشت و تحریم‌ها را تعلیق خواهد کرد، بسیار غیرمنطقی است و جدی گرفتن آن مثل این است که فکر کنیم دونالد ترامپ دستور بدهد نتانیاهو و بولتون را دیگر به کاخ سفید راه ندهند. آمریکا با خروج از برجام مسیری را آغاز کرده که می‌خواهد آن را تا انتها برود، پرسشی که می‌ماند این است که ایران چه مسیری را انتخاب خواهد کرد.

اعلام این موضع از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی که ایران هرگز با دولت فعلی آمریکا مذاکره نخواهد کرد، در واقع منتفی کردن گزینه‌ای است که اساساً وجود نداشته است. گزینه‌ای به نام مذاکره با دولت ترامپ اساساً وجود خارجی ندارد و آمریکا به هیچ‌وجه در پی مذاکره با ایران نیست. صرف‌نظر از اینکه آمریکایی‌ها به زبان چه می‌گویند، آنچه در عمل می‌بینیم این است که ایجاد بی‌ثباتی در داخل و ضربه زدن به قدرت منطقه‌ای ایران هدف اصلی و جدی آمریکاست. اینکه فرض کنیم فشار مقدمه درخواست مذاکره است، ممکن است در نظر اول بدون اشکال جلوه کند اما وقتی به این بیندیشیم که آمریکا علاوه بر شروط عجیب و غریبی برای مذاکره گذاشته و تحریم و فشار چه ارزش بی‌دیلی در راهبرد آمریکا علیه ایران دارد، آن وقت است که به یکباره کلمه مذاکره از معنای خود تهی شده و به یک ابزار عملیات روانی که هدف آن صرفاً ایجاد شکاف در ایران است فروکاسته می‌شود.

اکنون ایران رسماً و در عالی‌ترین سطح اعلام کرده با دولت فعلی آمریکا مذاکره نخواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۲